

بلکه در مقابل کلیه دولت‌هاییکه فرماندهی ارتشهای خود را بمن محول نموده‌اند ،
منافع عالیه ای را که در این زمینه مسئول حفاظت آنها هستیم بدون اندک تأخیری و
بوجه احسن تأمین نمایم .

« تقاضا میکنم ، چنانچه با این نظریات موافق باشید ، نماینده وزارت امور خارجه
را ، که از همین موقع باید با وی تشریک مساعی نمایم ، بمن معرفی فرمائید . »
چنانکه می‌بینیم ، در طی همان نامه ، رئوس مسائل را با اصرار و ابرام کاملی
یادآوری می‌کردم ، منجمله مسئله اشغال اراضی بعنوان تضمین غرامات متفقین ، تعیین
تکلیف قطعی این اراضی ، و بالاخره بکرشته مسائل سیاسی که میبایستی فی الفور
بررسی گردیده و با تصمیم نهائی دولت فرمانده کُل قوای متفقین اعلام کردند تا
بدین طریق بدشمن ابلاغ شوند .

حقیقتاً ، اگر مایل نبودیم خبط و خطائی مرتکب شویم ، اگر لازم بود باین
نکته متوجه باشیم که متارکه جنگ ، چون ارتشهای عظیمی را متوقف میکرد ،
مأخذ اصلی صلح قطعی بوده و شرائط عمده آشتی را دربر خواهد داشت ، بدون
اینکه ممکن باشد بعدها در وضعیتی که ازوقفه عملیات ناشی شده باشد تغییر عمده‌ای
حاصل گردد ، بررسی اساسی شرائط سیاسی متارکه جنگ پیشاپیش ایجاب میشد .
با اینوصف ، رئیس هیئت دولت ، از آنجائیکه مایل بود ابتکار و آزادی عمل
دولت را محفوظ دارد ، با پیشنهاد من راجع باینکه یکی از رجال سیاسی وزارت
امور خارجه در اختیار من گذارده شود موافقت نکرده و این تصمیم را در طی
نامه ۲۳ اکبر بمن ابلاغ نمود .

اینک ، تشخیص شرائط متارکه جنگ بدولتهای متفقین محول میشد . ازاینرو ،
بررسی شرائط مزبور را طبعاً نافذترین دولتها عهده دار میکردید .
در همین موقع ، « ویلسن » هم مسئله متارکه جنگ را بدولتهای اخیر احاله میداد .
رئیس جمهور دول متحده آمریکا بمخاطرات خود با « برلن » خاتمه داده ودولت آلمانرا
بمحکمه متفقین احاله میداد ، ولی درعین حال متفقین را در رد و قبول متارکه جنگ
آزاد گذارده بود ، و همچنین در تحمیل هرگونه شرائطی که « منافع ومصالح ملل »

ذینفع را کاملاً صیانت کرده و قدرت نامحدودی برای متفقین تأمین نماید ، بنحویکه بتوانند از جزئیات آشتی که دولت آلمان با انعقاد آن تن در داده است دفاع کرده و کلیه مسائل مربوط بصلح را مجری دارند

دولتهای متفقین هیچگونه دلیلی نداشتند برای اینکه طرح اصول چهارده گانه را مانند ماخذ و مبنای صلح نپذیرند ، منتهی باین نکته هم متوجه بودند که در صورت اقتضاء بعضی از اصول مزبور را تغییر داده و یا اینکه تشریح و تفسیر نمایند ؛ بعلاوه ، در صورت قبول شدن شرائطی نیز که در نظر داشتند بآلمان تکلیف کنند ، هیچگونه دلیلی نداشتند که با قطع مخاصمات مخالفت نمایند .

این بود که دول متفقین بمن تکلیف کردند که از لحاظ جنبه نظامی طرحی تنظیم نمایم . « کلمانسو » ، بسمت رابط بین من و دول متفق ، در ۲۴ اکتبر ، من و ژنرال « پتن » (Pétain) را بپاریس دعوت نمود ، تا در آنجا از ما پذیرائی نماید . در این جلسه ، شفاهاً موافقت حاصل شد که ، برای تأمین کمال امنیت ارتشهای متفقین و حصول تضمینات و وثائق لازمه ، چه شرائطی بحریف تحمیل نمایم . قرار بر این شد که محاصره ادامه یافته و مدت متارکه جنگ حتی الامکان محدود گردد . پیشرفتهاییکه از ۱۸ اکتبر در عملیات مشهود شده بود تأیید و تشریح پاره نکات یادداشت مقررہ آنروز را میسر میساخت .

در هر حال ، برای جلب نظریات فرماندهان کل قوای متفقین ، بعد از ظهر فردای آنروز فرماندهان کل ارتشهای امریکائی ، انگلیسی و فرانسوی ، و نیز رئیس ستاد نیروی دریائی فرانسه [« دریا بان » « دو بون » (Vice-amiral de Bon)] را به « سانلیس » (Senlis) دعوت کردم ، تا در قرارگاه من حضور یابند .

مارشال « هایگ » (Haig) نخست آغاز سخن نمود و گفت که بمقیده وی مجموع نیروی آلمان هنوز بقدری آسیب ندیده است که نتواند مقاومت سختی ابراز دارد ، بلکه ارتش مزبور هنوز هم قادر میباشد تا سرحد خود عقب نشینی کرده

(۱) رئیس ستاد ارتش بلژیک ، چون نتوانست بمناسبت مسافت زیاد بموقع حضور یابد ، فردای آنروز به « سانلیس » آمده و با طرح تنظیمی موافقت نمود .

و در آنجا ، در مقابل نیروی مساوی و حتی در مقابل قوای افزونی از سرحد مزبور دفاع نماید . از طرفی نیز ، ارتش انگلیس معادل ۵۰،۰۰۰ تن پیاده کسری داشته و ارتش فرانسه نیز تحلیل زفته و بالاخره ارتش امریکا هم هنوز کاملاً تشکیل نیافته است . از اینرو ، صلاح را در این میدید که در تحمیل شرایط از حدود میانه روی و اعتدال تجاوز نشود ، بدینمعنی که شرایط مزبور بمسائل مفصله ذیل محدود گردند :

۱ - تخلیه بلژیک و اراضی اشغال شده فرانسه .

۲ - تخلیه « آازاس - لرن » ، « ریس » (Metz) و « استراسبورگ » (Strasbourg) که باید بمتفقین واگذار شوند .

۳ - استرداد ملزومات بارکشی که دشمن از فرانسه و بلژیک برداشت کرده است ، بازگشت اهالی .

بدون کنکاش در اطراف این شرایط ، دلالتی که اقامه شده بود مقنع و متقن نمی نمود . ارتش آلمان ، که از چند ماه پیش اراضی هنگفتی از دست داده و تلفات و خسارات کمر شکنی تحمل نموده بود ، ارتش شکست خورده و درهم شکسته ای بود که ممکن نبود روحاً هم آسیب سختی بدیده و متزلزل نشده باشد . اما راجع بارتشهای متفقین ، باید اعتراف داشت که ارتشهای فاتحی هرگز بارتشهای تازه نفس و نوینی برابری نخواهند کرد : همین خستگی و فرسودگی نتیجه مستقیم فتوحات آنها بود . این ارتشها در پایان نبردی بودند که به پیروزی آنها منتهی گردیده بود ؛ البته ، در این برد فاتحانه ، اغلب فاتحین هم تلفاتی ، معادل تلفات ارتشهای مغلوب ، تحمل کرده بودند ؛ ولی تلفات ارتشهای غالب مانع از این نبود که ارتشهای مغلوب بکلی متزلزل گشته و باختلال سختی افتاده باشند . از اینرو ، اندیشه و نگرانی متفقین راجع باحتمال مقاومت سخت دشمن هیچ موردی نداشت .

پس ، نظریات ژنرال « پتن » هم استعمال شد ، و او معتقد بود باینکه امکان مبادرت بجنگ از آلمانها سلب گردد ، بدینطریق :

۱ - اشغال ساحل سمت چپ رود « رن » از طرف متفقین ، بقسمیکه مناطق

بین سرحد هلند و سرحد سویس پانزده روزه اشغال گردد ، و در ساحل سمت راست رود نیز سرپلها تحت اشغال در آیند ؛

۲ - واگذاری ۵۰۰۰ لکوموتیو و ۱۰۰،۰۰۰ واگن صحیح و سالم از جانب آلمانها .

ژنرال « پرشینگ » (Pershing) ، وضعیت نظامی را از لحاظ متفقین بسیار مساعد تشخیص داده ، و از اینرویی تحمیل سخت ترین شرایط متارکه جنگ را بمورد دانسته و بالتبجه پیشنهاد میگرد که مسائل مفصله ذیل بآلمانها تکلیف شوند :

۱ - تخلیه فوری کلیه اراضی اشغالی دشمن ؛

۲ - اشغال « آلزاس - لرن » از طرف متفقین ؛

۳ - عقب نشینی ارتشهای آلمان بساحل سمت راست رود « رن » ، و اشغال

سرپلهائی در ساحل مزبور بوسیله قوای متفقین ؛

۴ - اعزام ارتش امریکا و ملزومات آن از اروپا بامریکا ، با تأمین وسائل

منتهای رفاه و آسایش ، بوسیله وسائط بارکشی دریائی ؛

۵ - بازگشت فوری کلیه اهالی مناطقی که آلمانها اشغال کردند ؛

۶ - واگذاری کلیه زیر دریائیها و تکیه گاههای آنها بمتفقین یا یکی

از دول بطرف ؛

۷ - استرداد کلیه ملزومات بارکشی که آلمانها در بلژیک و فرانسه تصرف

نموده اند .

در پایان این جلسه ، پس از اینکه فرماندهان کل ارتشهای متفقین هر یک

بنوبه خویش نظریات خود را راجع بچگونگی متارکه جنگ پیشنهاد کردند ،

شرایط نظامی متارکه جنگ تنظیم گردید ، تا اینکه از نظر دول متفق گذرانیده شود .

شرایط مزبور رئوس مسائل مفصله ذیلرا در بر داشت :

۱ - تخلیه فوری مناطقی که بخلاف کلیه حقوق متصوره تسخیر گردیده بود ؛

بلژیک ، فرانسه ، « آلزاس - لرن » و « لوکزامبورگ » ، و بازگشت فوری

اهالی آنها .

۲ - تسلیم ۵،۰۰۰ توپ ، ۳۰،۰۰۰ مسلسل و ۳،۰۰۰ مین افکن .

۳ - تخلیه مناطق ساحل سمت چپ رود «رن» از طرف آلمانها ، اشغال سرپلهائی بشعاع ۳۰ کیلومتر در ساحل سمت راست رود مزبور از جانب متفقین که باید سرپلهای رادر «مایانس» (Mayence) ، «کبلتس» (Coblenz) ، «کلنی» (Cologne) و «استراسبورگ» احداث نمایند ، آرایش منطقه پیرامون در ساحل سمت راست پهنای چهل کیلومتر در مشرق رود :

۴ - منع هرگونه تخریبات از طرف دشمن در مناطقی که تخلیه آنها مقرر گردیده است :

۵ - واگذاری ۵،۰۰۰ ~~هکتار~~ و ۱۵۰،۰۰۰ واگن صحیح ، سالم و قابل استفاده :

۶ - تسلیم ۱۵۰ زیر دریائی ، عقب نشینی نیروی رودریائی به بنادر «بالیک» ، اشغال «کوکس هافن» (Cuxhafen) و «هایگلاند» (Heligoland) از طرف نیروی دریائی متفقین :

۷ - ابقای محاصره در طول مدت اجرای شرایط مقرر فوق .

بعد از ظهر ۲۵ اکتبر ، خود شخصاً طرح نظامی متارکه جنگ را پاریس برده و دونسخه آنرا بر رئیس جمهور و رئیس هیئت دولت تسلیم داشتم . با آقای «پوانکاره» (Poincaré) که در ملاقات من گوشزد میکرد که آلمانها ممکن است این شرایط را قابل قبول ندانسته و از اینرو نپذیرند ، پاسخ دادم : «در اینصورت ، بجنگ ادامه خواهیم داد ، زیرا ، بانوجه بموقعیتی که ارتشهای متفقین در این تاریخ بدان نائل گردیده اند ، معقول نیست آنها را از پیشروی فاتحانه خود باز داریم ، مگر اینکه امکان هرگونه مقاومتی را از آلمانها سلب نموده و تضمینات ثابت صلحی را که با این فداکاریها تحصیل نموده اند تأمین کرده و در دست گرفته باشیم !»

برای ما مقدور نبود پیشروی رو به «برلن» را موقوف داشته و عملیات خود را ترك کنیم ، مگر اینکه نخست موضع «رن» را ، که در منطقه از «کلنی» (Cologne) تا «مایانس» راه پایتخت را مسدود میکرد ، تصرف کرده باشیم .

ولی بالمکس ، علی رغم تمایلات بعضی از متفقین که برای متارکه جنگ شرایط دریائی سختی قائل میشدند ، « کلمانسو » را در طی نامه ۲۹ اکتبر خویش محزم و احتیاط دعوت کردم ، باین مضمون :

« در ۲۶ اکتبر ، شرایط نظامی متارکه جنگ را تقدیم داشتم .
« از قرار معلوم ، شرایط دریائی هم بشروط مزبور افزوده خواهد شد . شرایط اخیر کمال حزم و احتیاط را ایجاب کرده و پذیرفتن آنها بایستی بررسی کاملی موقوف گردد ، زیرا این شرایط ، چنانچه شرایط خیلی سختی باشند ، ممکن است کار و ابجائی منتهی گردانند که ارتشهای زمینی ، برای تحصیل مزایای نامعلومی ، بادامه برد خویننی که همواره تلفات سنگین و خسارات هنگفتی در بردارد مجبور شوند .
« بنابراین ، علاقه و افری دارم ، قبل از اینکه بر نامه قطعی شرایط متارکه جنگ تنظیم گردد ، این نکته را با دلالتی که در این باب دارم حضوراً تشریح نمایم . »

* *

صبح ۳۱ اکتبر ، نخستین جلسه رؤسای دولتهای متفقین در پاریس ، در منزل سرهنگ « هاوز » (House) که « ویلسن » مخصوصاً برانسه اعزام داشته بود ، تشکیل یافت . نخستین مسئله ای که در آغاز جلسه بمیان آمد خبری بود ، دایر بر اینکه دولت عثمانی متارکه جنگ « مودروس » (Moudros) را امضاء کرده و اطریش نیز از میدان نبرد خارج گردیده است .

بارسیدن چنین بشارتی که بمحض افتتاح جلسه اعلام شده بود ، دادن توضیحاتی که راجع بوضعیت کلی اژمن خواسته شده بود با کمال سهولت برای من میسر گشته و نظریات من در اثبات مساعدت اوضاع بوجه احسن تأیید میشد .

متجاوز از سه ماه بود که آلمانها در فرانسه و بلژیک پیایی شکست خورده و لاینقطع بعقب نشینی مجبور شده و تا کنون بیش از ۲۶۰،۰۰۰ تن اسیر و ۴،۰۰۰ توپ از دست داده بودند . از وضعیت نظامی آلمانها تزلزل و اختلال عمیقی محسوس میشد ، و حال آنکه ما قادر بودیم که نبرد را ، حتی تا پایان زمستان هم ، در امتداد ۴۰۰ کیلومتر جبهه ، تعقیب کنیم و لدی الاقتضا ، جنگ را تا الهدام قطعی دشمن ، مداومت دهیم .

در پایان این گزارش مختصر ، سرهنگ « هاوز » (Colonel House) از من پرسید که از دوشق ادامه جنگ و متارکه جنگ با آلمان کدام را اصلح می پندارم . من نیز پاسخ دادم : « من جنگ را برای جنگ نمیخواهم . اگر از راه متارکه جنگ بشرائطی که میخواهیم با آلمان تحمیل کنیم نائل گردم ، رضایت من فراهم خواهد بود . همینکه مقصود تأمین گردید ، دیگر احدی مجاز نخواهد بود يك قطره خون زیادی بریزد » .

در بعد از ظهر همان روز ۳۱ اکتبر ، شورای عالی جنگ جلسه ای در « ورسای » (Versailles) منعقد نموده بود . در آغاز این جلسه نیز ، که بنا بود به بررسی شرایط متارکه جنگ اطریش - هنگری تخصیص یابد ، دیگر بار دعوت شدم نظریات خود را اظهار دارم . بنا بر این ، همان نظریاتی را ، که صبح آنروز راجع بوضعیت نظامی متفقین و بهبودی روز افزون آن بیان کرده بودم ، در دفعه دیگر تشریح کردم . در یکم نوامبر ، بررسی تفصیلی شرایط متارکه جنگی که بنا بود بر آلمان تحمیل شود آغاز گردید .

قبل از ظهر ، نخستین جلسه رؤسای دولتهای متفق در پاریس ، در وزارت جنگ منعقد شد . شرائطی که در باب اشغال ساحل سمت چپ رود « رن » پیشنهاد کرده بودم خوانده شد . در نتیجه کنگاشی که بدین مناسبت بمیان آمد ، مارشال « هایگ » موفق شد دیگر بار همان نظریاتی را که در ۲۵ اکتبر شرح داده بود طرح کند . لابد این نظریات مبتنی بر خط مشی و رویه ای بود که « للوید جرج » و همکاران وی اختیار کرده بودند .

نظریه انگلیسها ، راجع باینکه برای تعلیق مخاصمات ، ارتشهای متفقین در سرحد باژیک ، « لوکزامبورگ » و « آلزاس - لرن » متوقف شوند ، یعنی در ساحل سمت چپ رود « رن » و در مسافتی چند از رود مزبور ، بقسمی که نیروی متفقین با مانع مواجه گشته و تماشاچی آن باشند ، پیشنهاد قابل قبولی نبود . با قبول این پیشنهاد ، آلمانها موفق میشدند در طول مدت ادامه مذاکرات صلح در پناه رود « رن » ارتشهای خود را ترمیم دهند ، تا در صورت اقتضاء بمذاکرات

صلح خاتمه داده و جنگ را با شرایطی که بحال متفقین نامساعد باشند تجدید نمایند .
در اینصورت ، متفقین قسمت اعظم مزایا و منافع را که در نتیجه فتوحات خونینی
تحصیل کرده بودند اذ دست داده و از حقوق و برتری کنونی خویش محروم می ماندند .
خودداری متفقین از تصرف رود «رن» از طریق انعقاد متارکه جنگ بمنزله تهدید
همان صلحی بود که با آن جد و جهد تعقیب می نمودند . این بود که پیشنهاد من
پذیرفته شد .

بعد از ظهر همانروز ، قرائت و بررسی متن تعهدات در «ورسای» ادامه یافت .
تصمیم گرفته شده بود که راجع بجهت روس هم مقرراتی بشرايط متارکه جنگ
افزوده شود ، و تنظیم آنها بستاد خود من محول گردد .

عصر ۲ نوامبر ، جلسه دیگری در «ورسای» تشکیل یافته ، و تعهدات مربوط
به نیروی دریائی و جهت روس نیز مطرح گردید .

انعقاد این جلسه مقارن با موقعی بود که فرمانده کل نیروی اطریش متن معاهدات
متارکه جنگ را ، که متفقین تنظیم کرده بودند ، از ژنرال «دباز» (Diaz)
دریافت میکرد . حکومت «وین» چه تکلیفی داشت ؟ آیا پذیرفتن شرائط حاضر میشود ؟
در صورت پذیرفتن شرائط هم ، آیا تجزیه امپراطوری «اطریش - هنگری» امکان
اجرای تعهدات را از حکومت مزبور سلب نمی نمود ؟ اینها بودند مسائلی که در
بعد از ظهر ۲ نوامبر طرح شده و فکر زمامداران متفقین را اشغال کرده بودند .
اهمیت این مسائل بحدی بود که حتی در جریان مذاکرات هم تأثیرات عمیقی بخشید ،
تا جائیکه «للوید جرج» متخصصین نیروی دریائی را رها کرده و حتی از یکقسمت
از درخواستهای آنان ، راجع بتسلیم نیروی دریائی آلمان ، منصرف گردید .

ولی ، همینکه مسئله تسلیم شدن حکومت «وین» تأیید گردید ، این مسائل را
دیگر بار تمام و کمال بمیان آورد . این تعهدات شامل شرائط سختی بود ، مخصوصاً
از لحاظ خلع سلاح نیروی دریائی آلمان ، تسلیم بسیاری از ناوها ، اعم از زیر
دریائی یا رودریائی ، واگذاری ملزومات دریائی ، معتابهی و غیره . این تحمیلات ،

که رویهمرفته شرایط کمر شکنی بود ، ممکن بود از جانب آلمانها پذیرفته نشده و بالتبجه امضای قرارداد متارکه جنگی که از جهات ارضی کمال رضایت ما را فراهم میکرد ممتنع گردد . این بود که توجه زمامداران را باین نکته جاب کردم و مخصوصاً تذکر دادم که تعهدات دریائی ، از آنجائیکه تعهدات بسیار سختی است ، ممکن است آلمانها را وادار سازد باینکه شرایط متارکه جنگ را نپذیرند ؛ در اینصورت ، مجبور خواهیم بود باینکه در خشکی بادامه جنگ خونینی تن در دهیم ، تا در نتیجه مقداری ملزومات دریائی (که برای عملیات ماهیچگونه منافی نخواهد داشت) تحصیل نمائیم ؛ و از بیانات خود چنین نتیجه گرفتم که ریختن خون - ر بازان ما آن نیز بدون جاب منافع عمده ایکه بحال متفقین نافع باشد ، متضمن مسئولیتی است که باید با حزم و احتیاط و دقت کاملی ناقلی گردد . آنگاه بمن تکلیف شد که تعهدات دریائی را هم بشرائط متارکه جنگ بیافزایم ، تا اگر دشمن از پذیرفتن آنها خود داری کند ، در تقلیل و تخفیف آنها تجدید نظری بعمل آید . بعدها معلوم شد که دشمن حاضر بوده است عملاً بهر گونه شرطی تن در دهد .

پیشنهادات مربوطه بجهت روس و رومانی بدون هیچگونه کنکاش تصویب گردید . آقای « پیشون » (Pichon) ، وزیر امور خارجه ، موقع را مفتنم شمرده و مسئله استقلال لهستان را ، که یکی از مقاصد جنگی متفقین را تشکیل میداد ، بمیان آورد ، ولی اکثریت آراء بر این بود که عهدنامه متارکه جنگ کنجایش اینگونه مسائل را نداشته و از اینرو ، تجاوز از حدود عهدنامه بيمورد بوده و فقط میبایستی آلمان بسرحدات شرقی ۱۹۱۴ بازگشت نماید .

بالاخره ، در ۴ نوامبر ، متن قطعی عهدنامه متارکه جنگ ، بعد از اینکه در دفعه آخر قرائت شد ، از تصویب رؤسای دولتهای متفقین گذشته و فی الفور به « ویلسن » رئیس جمهوری دول متحده امریکا مخابره گردید . بعلاوه ، تصمیم گرفته شد که با کملک یکتفر « دریا سالار » انگلیسی مأمور باشم متن عهدنامه را بنمایندگان که

رسماً از طرف دولت آلمان معرفی شده باشند ابلاغ نموده و بر اساس همین اصول و مبانی عهدنامه ای با آنها منعقد سازم .

دولتهای متفقین ، در ضمن مخابره شرایط مقرر به « واشنگتن » ، در نتیجه اصرار و ابرام مخصوص دولت انگلیس ، آزادی عمل را ، از لحاظ آزادی دریاهای که جزو مواد چهارده گانه « ویلسن » هم منظور شده بود ، کاملاً حفظ کرده بودند ، « ویلسن » نیز ، در طی پیام ۵ نوامبر خویش خطاب بآلمانها ، که برای احاله آنها بقرارگاه کل متفقین مخابره نموده بود ، همین مسئله را بآلمانها اشعار نموده بود ؛ همین خود مدلل میکرد که دولتهای متفقین ، با توجه باین نکته ، خویشان را از هر گونه قیودی که ممکن بود آنها را در مذاکرات آینه مزاحم گردد کاملاً آزاد کرده بودند .

* * *

در هر حال ، فی الفور اوامر لازمه ای مخابره کردم ، برای اینکه نمایندگان اعزامی دولت آلمان ، که ممکن بود دفعتاً خویشان را بخطوط مقدم ما معرفی نمایند ، پذیرفته شوند ؛ و چون ، در صورت وقوف قبلی برسیدن آنها ، قصد داشتم که آنها را در محور «ژیوه» (Givet) ، «لاکاپل» (La Capelle) ، «گویز» (Guise) هدایت کرده باشم ، دستور مخصوصی باین قصد بژنرال «دبنه» (Debeney) ابلاغ کردم .

بعلاوه ، ارتشهای خودی را نیز آگاه کردیم که شایعات کذب دشمن را ، راجع بانعقاد قبلی عهدنامه متار که جنگ ، با حزم و احتیاط تلقی نمایند .

نیم ساعت بعد از نیمه شب ۶ الی ۷ نوامبر بود که نخستین تلگراف بی سیم فرماده کل نیروی آلمان را دریافت داشتم . فرمانده مزبور اسامی نمایندگان مختاری را ، که دولت آلمان نامزد نموده بود ، مخابره کرده و از من درخواست مینمود که محل تجمعی مقرر دارم و در پایان تلگراف خود علاوه میکرد :

« اگر رسیدن هیئت نمایندگی آلمان بجهت متفقین موقتاً بمخاصمات خانمه دهد ، دولت آلمان حفظ و سیانت منافع و مصالح بشریت را بخویشان تهنیت خواهد گفت . »

من نیز فی القور با عبارات ساده ای پاسخ دادم ، باین مضمون :
« نمایندگان مختار دولت آلمان ، چنانچه مایل باشند با مارشال « فیس »
ملاقات نمایند ، تا از وی درخواست کنند متار که ای منعقد گردد ، میتوانند از راه
« شیمه - فورمی - لا کابل - گوئز » (Chimay-Fourmies-La Capelle-Guise)
به پستهای مقدم فرانسوی رفته و خویشان را معرفی نمایند . او امر لازمه ای داده
شده است تا نمایندگان مزبور پذیرفته شده و بمحالی که برای تجمع مقرر گردیده است
راهنمایی شوند . »

صبح روز ۷ ، آگاهی یافتیم باینکه نمایندگان مختار آلمان ، که ظهر از « سبا »
(Spa) حرکت کرده بودند ، بین ساعت ۱۶ و ۱۷ بخطوط فرانسوی خواهند رسید .
تدابیر لازمه ای از هر دو طرف بوسیله فرماندهان فرانسه و آلمان اتخاذ گردیده بود ،
تا در موقع عبور هیئت اعزامی دشمن آتش از هر دو سمت موقوف گردد .
در ساعت ۱۷ ، بهمراهی ژنرال « ویگان » (Weigand) ، سه تن از افسران
ستاد من (۱) و هیئت نمایندگی نیروی دریائی انگلیس بر باست « دریا سالار و بیس »
(Amiral Wemyss) ، « لرد » درجه ۱ نیروی دریائی ، از « سانلیس » (Senlis)
حرکت کردم ، تا بوسیله قطار مخصوص بمحالی که جهة ملاقات با هیئت نمایندگی
آلمان انتخاب گردیده بود رهسپار شوم ، یعنی بگوشه ای از جنگل « کمپین »
(Compiègne) ، در شمال و در نزدیکی ایستگاه « رتند » (Rethondes) . قطار
من در این محل روی « تل توپخانه ای » ایست نمود .

اما راجع بهیئت اعزامی آلمان ، بواسطه موانعی که در عقب جبهه آلمان
وجود داشت لاینقطع معطل شده بود ، رسیدن آن بخطوط فرانسوی تا
ساعت ۲۱ میسر نشد ، بقریبیکه برای رسیدن بمقصد ۱۲ ساعت تأخیر نموده بود .
این بود که قطار مخصوص هیئت اعزامی دشمن در ساعت ۷ صبح روز ۸ نوامبر
در مجاورت قطار من ایست نمود .

* * *

(۱) سرگرد ریپدینگر (Riedinger) ، سروان « دومیری » (de Mierry) و افسر مترجم
« لاپرش » (Laperche)

دو ساعت بعد ، یعنی در ساعت ۹ ، جلسه نخستین در « واکن دفتری » قطار فرانسوی منعقد گردید .

گزارش ذیل ، که در پایان امضای معاهدات متار که جنگ از طرف من بریاست هیئت دولت و ریاست جمهوری فرانسه تقدیم گردید ، متضمن جزئیات کلیه وقایع و جریاناتی است که در « رُتند » (Rethondes) فیما بین نمایندگان مختار متفقین و آلمانها روی داده است .

در روز ۹ نیز ، در تأیید و تقویت اراده ایکه متفقین اتخاذ کرده بودند تا هر چه زودتر بمقاومت آلمانها خاتمه دهند ، تلگراف ذیلرا فرماندهان کل مخابره کردم :

« دشمن ، که در نتیجه حملات پی در پی ما متزلزل گشته و باختلال و کسبختگی سختی افتاده است ، در سرتاسر جبهه تسلیم میشود .

« مقتضی است عملیات خود را ابقاء داشته و تسریع کنیم . اینک من ، با انکاء فعالیت و ابتکار فرماندهان کل و ارتشهای آنها ، انتظار دارم نتایج حاصله را بموفقیت قطعی منتهی سازند . »

و آنها هم ، در لوای پرچمهایی که اینک بوزیدن باد فتح باهتزاز در آمده بود ، همگی باتفاق لحنی پاسخ دادند : « بفداکاری ما اعتماد کنید و مطمئن باشید تا آنجائیکه لازم باشد پیشروی خواهیم نمود . »

گزارش

مذاکرانیکه بنا بود بانقباد عهدنامه متار که جنگ با آلمان منتهی گردد ، در « واکن دفتری » قطار مخصوص مارشال « فُش » بعمل آمد . قطار مارشال « فُش » و همچنین قطاریکه نمایندگان مختار آلمانرا از « ترنیه » (Tergnier) حرکت داده بود ، هر دو در جنگل « اِگل » (Aigle) ، در مجاورت ایستگاه « رُتند » روی « تل » های توپخانه سنگین دور زن ، متوقف گردیده بود .

۸ نوامبر - قطار مخصوصی که نمایندگان مختار دولت آلمانرا آورده بود

در ساعت ۷ روز ۸ نوامبر بمقصد رسید .

مارشال بنمایندگان آلمان اطلاع داد که از ساعت ۹ بعد میتوان آنها را پذیرد .
آنها هم خواستگار شدند که در ساعت ۹ پذیرفته شوند .
در ساعت مذاکرات ، بقطار مارشال عازم شدند .

مارشال « فیس » با معاضدت دریا سالار « سر رسلین و میس » (Amiral Sir
(Rosslyn Wemyss) ، ژنرال « ویگان » (Weygand) و دریا سالار « هب »
(Amiral Hop) ، از آنان خواستگار گردید که اختیارات خود را معلوم سازند .
آنها نیز ، اعتبار نامه های خود را بمارشال تسلیم داشتند : اعتبار نامه های مزبور
بدین طریق نگاشته شده بود :

۱ - اعتبار نامه نخستین :

« امضاء کننده ذیل ، صدر اعظم امپراطوری آلمان ، « ماکس پرنس دو باد » (Max
(prince de Bade) ، بوسیله همین اعتبار نامه اختیارات نامی میدهد :

« به آقای « ماتیاس ارزبرگر » (Mathias Erzberger) ، وزیر دولت
امپراطوری (بسمت ریاست) :

« با آقای « کنت آلفرد ایر ندرف » (Comte Alfred Oberndorff) ، نماینده
اعزامی فوق العاده دولت امپراطوری و وزیر مختار :

« بژنرال مازوروس « دیتلف فن وینترفلدت » (Detlef von Winterfeldt) ،
« برای اینکه ، بنام دولت امپراطوری آلمان ، با نمایندگان مختار دول متفق
بر ضد آلمان ، راجع بمتارکه جنگ ، داخل مذاکرات شده و بالتیجه قراردادی
که اعتبار آن منوط بتصویب دولت امپراطوری آلمان باشد منعقد نمایند .

امضاء : « ماکس پرنس دو باد »

برلن ، ۶ نوامبر ۱۹۱۸

۲ - اعتبار نامه دوم :

« امضاء کننده ذیل ، صدر اعظم امپراطوری آلمان ، « ماکس پرنس دو باد » ،
نمایندگان مختار دیگری ، برای شرکت در مذاکرات متارکه جنگ با دول متفق
بر ضد آلمان ، نامزد مینماید ، از اینقرار :

ناخدا یکم « فانسلو » (Vanselow) ؛

« ژنرال پیاده نظام سلطنتی » اریخ فن گوندل (Erich von Gundeil) از پست نمایندگی مختار خویش تعویض میگردد ؛ از اینرو ، نام وی از اعتبارنامه پیوسته حذف گردیده است .

امضاء : « ماکس پرنس دوپاد »

برلن ، ۶ نوامبر ۱۹۱۸

مارشال « فس » ، اندکی بعد از اینکه باتفاق « دریا سالار و میس » و ژنرال « ویگان » بمنظور بررسی اعتبارنامه ها از جلسه خارج گردید ، دیگر بار بکنفرانس بازگشت نموده و از رئیس هیئت نمایندگی آلمان خواستگار شد که اعضاء هیئت اعزامی را معرفی نماید .

اعضاء هیئت نمایندگی آلمان بدینطریق معرفی شدند :

وزیر کشور « اِرزبرگر » ؛

ژنرال مارژ « فن وینترفلدت » ؛

وزیر مختار « کنت اِرندرف » ؛

ناخدا یکم « فانسلو » ؛

سروان ستاد ارتش « گهیر » (Geyer) ؛

سروان سوار نظام « فن هلدرف » (von Helldorff) .

مارشال « فس » نیز بنوبه خویش اعضاء هیئت نمایندگی متفقین را بشرح ذیل

معرفی نمود :

« دریا سالار و میس » (Amiral Wemyss) ؛

ژنرال « ویگان » (Weygand) ؛

« دریا سالار هپ » (Amiral Hop) ؛

ناخدا یکم « ماریوت » (Mariott) ؛ و دو مترجمین ذیل :

کوماندر « باگو » (Commander Bagot)

افسر مترجم « لاپرش » (Laperche) ؛

آنگاه نمایندگان گردها گرد میز کنفرانس قرار گرفتند .

مارشال « فُش » قصد ملاقات نمایندگان آلمانی را سؤال نمود .

« اِرزبرگر » پاسخ داد که هیئت نمایندگان آلمان آمده است پیشنهادات متفقین را

بمنظور انعقاد متارکه جنگ زمینی ، دریائی و هوائی در کلیه جهات و مستملکات ، دریافت دارد .

مارشال « فُش » جواب داد که هیچگونه پیشنهادی که بآنها بدهد ندارد .

« کنت اِبرندرف » پرسید که مارشال « فُش » بچه طرز بیانی علاقمند میباشد ؟

و ضمناً گفت که او عبارات اهمیت نداده و بنا بر این میتواند بگوید که هیئت اعزامی شرایط متارکه جنگ را خواستگار میباشد .

مارشال « فُش » در جواب وی نیز گفت که شرایطی ندارد تا بهیئت مزبور

تسلیم نماید .

« اِرزبرگر » متن آخرین یادداشت « ویلسن » ، رئیس جمهور امریکا را ،

دایر بر اینکه مارشال « فُش » مجاز گردیده است شرایط متارکه جنگ را اعلام دارد ، قرائت نمود .

مارشال « فُش » پاسخ داد که اجازه وی در ابلاغ شرایط مزبور منوط باین است

که نمایندگان آلمان متارکه جنگ را تقاضا نمایند ، و در پایان جواب خویش گفت که :

« آیا حاضر هستید متارکه جنگ را تقاضا کنید ؟ اگر بتقاضای آن مایل باشید ،

من نیز مجاز هستم شمارا بشرائطی که حصول آن منوط بآنها خواهد بود واقف - ازم » .

« اِرزبرگر » و « کنت اِبرندرف » اظهار داشتند که متارکه جنگ را

خواستگار میباشند .

آنگاه ، مارشال « فُش » اظهار داشت که اینک شرایط متارکه جنگ خوانده میشود

و چون متن آن قدری مفصل است ، نخست مواد عمده آن خوانده خواهد شد ، تا بعد

متن کامل شرایط عیناً بنمایندگان اعلام گردد .

«ژنرال» ویکان، مقررات اصلی شرایط متارکه جنگ را قرائت کرد [متنی که در «نوامبر در «ورسای» تنظیم گردیده بود].»

همینکه خواندن متن شرایط پایان رسید، «ارزبرگر» آغاز سخن نموده و خواستکار شد که عملیات نظامی از همین موقع موقوف گردد. در تأیید ضرورت انجام این منظور، به کسیختگی و پریشانی امور و اختلال اوضاع و فقدان انضباطی که در ارتش آلمان حکمفرما بود متکی گردیده و روح انقلاب را، که در اثر مصائب و تضییقات وافر اینک بداخله کشور نفوذ میکرد، تشریح نمود. سپس، در اثبات نگرانی خویش، بمشکلات زیادی که خود وی و هیئت نمایندگان او بمناسبت عبور از میان ارتشهای آلمان و گذشتن از خطوط خودی با آنها مواجه شده بودند اشاره نموده و گفت که احکام، حتی در مورد موقوف کردن آتش هم، اجرا نشده و بازحیات زیادی اعمال گردیده بود. بنظر او، اوضاع و احوال کلی بقسمی بود که نفوذ خطر نزدیک «بلشویزم» را بداخله آلمان تسهیل میکرد، و البته در صورت شیوع چنین ابلی عظیمی در اروپای مرکزی، حفاظت اروپای غربی در قبال سرایت حتمی مرض مزبور کار بسیار دشواری بنمود که با هواتوسادگی انجام پذیر نبود. بنا بر این، یگانه راه علاجی که بنظر وی میرسد این بود که بحملات متفقین خاتمه داده شود، ما در نتیجه اعاده نظم و انضباط ارتش آلمان مقدور گردیده و در سایه انتظامات نجات کشور میسر شود.

برای من، دادن جواب اشکالی نداشت، چنانکه اخبار متذکر شده: «در اینموقع، که راجع بمتارکه جنگ مذاکراتی آغاز گردیده است، ادا هیئت نمایندگان آلمان شرایط متارکه جنگ را، که نتیجه مستقیم و موافق عملیات نظامی است، پذیرفته و امضاء نموده است، موقوف داشتن همین عملیات (که صحبت از متارکه منوط بوجود آنهاست) مقهور نخواهد بود.

اما راجع بوضعیت ارتشهای آلمان و خطر رواج «بلشویزم» در داخله آلمان، «ارزبرگر» بدان اشاره نموده بود، گفته شد که این مرض لازمه شکست ارتشهای مغلوب و مللی است که در اثر جنگ خسته و فرسوده میشوند.

بدیهی است که اروپای غربی ، برای جلوگیری از سرایت چنین مرضی ، موفق خواهد شد تدابیر لازمه ای اتخاذ نماید .

در مقابل صراحت گفتار من ، راجع باینکه ممکن نیست تقاضای شفاهی « اِرژبرگر » پذیرفته شود ، ژنرال « فن وینترفلات » کسب اجازه نمود و گفت که :

« از جانب فرماندهی کل قوا و دولت آلمان مأموریت مخصوصی به وی محول گردیده است . »

آنگاه ، نطقی که پیش از وقت تهیه نموده بود قرائت کرد ، باین مضمون :

« شرایط متارکه جنگ ، که اینک با اطلاع ما رسانیده شده است ، مستلزم آنست ، که بررسی دقیقی از جانب ما معمول گردد . از آنجائیکه قصد ما اینست که نتیجه ای « نائل گردیم ، بررسی مزبور حتی الامکان زودتر انجام خواهد گرفت : ولی با « اینوصف فرصتی لازم خواهد بود ، برای اینکه رأی دولت و فرماندهی کل نظامی هم « تحصیل گردد . »

« در طی این احوال ، نبرد بین ارتشهای ما ادامه یافته و قهراً ، قربانی های بسیاری ، « چه در میان محاربین و چه در میان اهالی ، در بر خواهد داشت ، آنهم بدون تصور ، « هیچگونه منافعی و در آخرین دقیقه ای که ممکن است قربانیهای مزبور برای « خانواده هائیکه انتظار آنها را دارند محفوظ گردید ،

« بنا بر مراتب مذکوره فوق ، دولت آلمان و فرماندهی کل آن خود را مفتخر میدانند باینکه پیشنهادی را که در طی تلگراف بی سیم پریروز خویش کرده بودند تجدید نمایند ، بدینطریق که : آقای مارشال « فنس » لطفاً رضایت دهد باینکه فی الفور متارکه موقتی مخاصمات برای تمام جبهه مقرر گردد ، بقسمیکه تعلیق مخاصمات از امروز ، از ساعت معینی آغاز شده و شرایط سهل و ساده آن هر چه زودتر تنظیم گردند . »

مارشال « فنس » جواب داد : « من ، فرماندهی عالی قوای متفقین و بنا بر این نمایندگی دولتهای متفق را عهده دار میباشم . دولتهای مزبور شرایط

خود را مقرر داشته اند. قبل از امضای معاهدات متار که جنگ قطع مخاصمات مقدور نخواهد بود. این است که من بسهم خویش خود را آماده نموده ام که معاهدات را منعقد ساخته و نیز در تأمین این منظور در حدود امکان با شما مساعدت نمایم. ولی، تا وقتی که قرار داد متار که جنگ امضاء نشده است، ممکن نیست مخاصمات موقوف گردد.

در پایان جلسه، نمایندگان آلمان از مارشال سؤال کردند آیا ممکن است، بمناسبت فرصتی که مخابره شرایط بدولت آلمان ایجاب میکند، مدت دادن جواب تا پست و چهار ساعت تمدید یابد.

مارشال پاسخ داد که این مدت از طرف دول متفق و متحد مقرر گردیده است، و از اینرو تغییر طول مدت برای وی مقدور نمیباشد.

نمایندگان آلمان، پس از مختصر مشاوره ای که باهم کردند، درخواست نمودند تلگراف ذیل بوسیله بی سیم مخابره گردد:

« از طرف نمایندگان مختاردولت آلمان (مأمور مذاکرات مربوط به متار که جنگ) بعنوان صدر اعظم امپراطوری و فرماندهان کل نیروهای نظامی و دریائی آلمان: «
« نمایندگان مختار، بامداد روز جمعه، شرایط متار که جنگ را، بانضمام «
« مدت قبول یا رد شرایط مزبور در مدت هفتاد و دو ساعت، که در ساعات ۱۱ صبح «
« روز دوشنبه (مطابق ساعت فرانسوی) سپری میشود، در قرارگاه کل متفقین «
« دریافت داشتند.»

« پیشنهاد آلمان، راجع بانعقاد فوری قرارداد تعلیق موقتی مخاصمات، از طرف «
« مارشال » فسخ » رد شد. «

« چابار آلمانی مخصوصی، که حامل متن شرایط متار که جنگ میباشد، به « اسپا » (Spa) روانه شد، زیرا هیچ نوع طرز مخابره دیگری عملی نبود. مستدعی است «
« رسید را اعلام دارید و هر چه زودتر چابار مزبور را بادستورات نهائی عودت دهید، «
« فعلاً، اعزام نمایندگان دیگری ضرورت ندارد.»

امضاء: «ارز برگر»

تلگراف فوق در ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه مخبره شد .

بعلاوه ، نمایندگان آلمان مقرر داشتند که سروان « فن هلدرف » بسمت چاپار متن شرایط را بقرارگاه کل نیروی آلمان برساند .

ستاد مارشال دستوراتی داد ، برای اینکه عبور چاپار از میان خطوط تأمین گردد ، و بدین طریق چاپار مزبور در ساعت ۱۳ روانه گردید .

« کنت ایرندرف » ، ژنرال « فن وینترفلدت » و ناخدا « فاسلو » تقاضا کردند که مذاکرات مخصوصی با ژنرال « ویگان » و دریا سالار « هپ » بعمل آورده و بدین طریق پاره‌ای نکات را برای نمایندگان آلمانی روشن سازند .

این مذاکرات ، برای « کنت ایرندرف » و ژنرال « فن وینترفلدت » با ژنرال « ویگان » از یکطرف ، و برای ناخدا « فاسلو » با دریا سالار « هپ » از طرف دیگر ، در بعد از ظهر همان روز عمل آمد .

مذاکرات فوق بدین طریق خلاصه میشود :

« نخست « کنت ایرندرف » سؤال کرد آیا منظور متفقین از تعیین چنین شرایط

سختی این است که آلمان را برد کردن شرایط وادار سازند ؟ .

« در جواب ، بوی گفته شد که شرایط متفقین عبارت از شرایطی است که با تأمین آنها متارکه جنگ برای متفقین مه‌ور خواهد بود . پس ، مقاصد آنها مقاصد فاشی است که علناً آشکار ساخته‌اند ، بدون اینکه چیزی از شرایط آنها در خفا باشد .

پس ، « کنت ایرندرف » پرسید آیا متفقین در نظر ندارند که متارکه جنگ را از بین ببرند تا بدین طریق فی الفور مذاکرات مسلح آغاز گردد ؟ .

« جواب داده شد که در اینجا مارشال « فوش » نه مجاز و نه مایل است که بغیر از معاهده متارکه جنگ قرارداد دیگری منعقد نماید . »

در طی مذاکرات بعدی که با « کنت ایرندرف » بمیان آمد ، و همچنین در طی مذاکراتی که قبلاً با ژنرال « فن وینترفلدت » بعمل آمده بود ، مسائلی راجع بشروط مختلفه متارکه جنگ طرح شده بود . نظریات یا افکار عمده‌ای که

در طی این گفتگوها از طرف نمایندگان آلمان ابراز گردیده است، ناشاید تحفیفانی در شرایط تحصیل نمایند، از قراری است که خلاصه آنها ذیلاً نگاشته شده است:

« آلمان طالب متارکه جنگ است. حضور نمایندگان در این محل اقوی دلیلی است بر اینکه ممکن نیست آلمان بمتارکه جنگ علاقمند نباشد. پس نمایندگان آلمان در مذاکرات خود صادق هستند.

« ارتش آلمان با مشکلات بی مائندی دست بگریبان است: منجمله فرسودگی و خستگی عده هائیکه از چهارماه پیش اندکی نیاسوده و پیوسته محاربه مینمایند، سستی انضباط که از همین فرسودگی قوا ناشی گردیده است؛ انسداد جاده ها و راه آهن که کلیه حرکات نظامی را مختل کرده است. در اینصورت، چنانچه حرکات سریعی باین ارتش تحمیل گردد، همین خود ارتش مزبور را از اعاده نظم و انضباط باز خواهد داشت.

« پس از اینکه معاهدات متارکه جنگ با مضاء رسید، ارتش آلمان، اگر هم بخواهد، دیگر بار بتجدید نبرد موفق نخواهد شد، در اینصورت، تحمیل شرایط خفلی سختی بارتش مزبور ضرورت نخواهد داشت.

« نسبت بآن قسمت از تحمیلات نظامی هم، که مربوط بواگذاری اسلحه میباشد، هیچگونه اعتراضی نشده است، مگر در موضوع تسلیم ۳۰،۰۰۰ مسلسل سنگین؛ زیرا، اگر این مقدار تسلیم گردد، دیگر اسلحه ای نمی ماند که، در صورت ضرورت، خود ملت آلمان را هدف سازد.

« بطور کلی، وضعیت داخلی آلمان بسیار وخیم است: نوده در حال انقلاب است، و مرض « بلشویزم » هم نفوذ یافته است. حفظ انتظامات داخلی آلمان ضرورت دارد، و همین خود بنفع متفقین هم تمام خواهد شد: چه آنکه بایستی از طرفی از سرایت مرض « بلشویزم » جلوگیری نمایند، و از طرفی نیز توانائی و استطاعتی برای حریف خویش قائل گردند، تا در نتیجه وصول غرامات عمده ای که لابد بمیان خواهد آمد مقدور گردد.

بنا بر این، قع همه در این است که ارتش آلمان با نظم و انضباط بآلمان

بازگشت نماید ، و برای تأمین این منظور ، بایستی مدتی که برای تخلیه اراضی تعیین گردیده است تمدید یابد . بعلاوه ، تمدید این مدت تا چند روزی مفید نبوده و بلکه بایستی چند هفته ای باین مدت علاوه کرد .

« بالاخره ، قحط و غلاء نیز دارد آلمان را تهدید مینماید ، بدین مناسبت ، آنقسمت از مقررات متارکه جنگ ، که مربوط بمحاصره آلمان و تسلیم ملزومات راه آهن میباشد ، از حدود عدالت و انصاف خارج میباشد ؛ زیرا همین خود تدارکات عمومی را فلج کرده و بالتبجه زنها و بچه ها از گرسنگی تلف خواهند شد .

« خلاصه ، بایستی از طرفی ارتش منظمی برای آلمان باقی گذاشت ، برای اینکه بتواند بانقلابات داخلی خاتمه دهد ، از طرفی هم با کشور مزبور مساعدت نمود ، تا در نتیجه از خطر قحطی ایمن گردد . »

بعلور کلی ، در جواب نمایندگان آلمان ، گفته شد که بی نظمی و اختلال اوضاع ارتش آلمان ناشی از پیشروی ارتشهای فاتح متفقین است که اینک از چهار ماه پیش ادامه داشته است ، فرمانده کل قوای متفقین نیز حق دارد لااقل بر نری و تفوق کنونی ارتشهای متفقین را حفظ کرده و بوسیله شرایط متارکه جنگ تأمین نماید .

در پایان این مذاکرات ، ژنرال « ویگان » مخصوصاً تصریح کرده بود که :

۱ - مذاکرات خصوصی نظیر این مذاکرات تبادل نظریاتی پیش نبوده و از اینرو هیچگونه تعهدی برای هیچیک از طرفین نخواهد داشت ؛ یگانه منظور این مذاکرات این بوده است که توضیحات لازمه ای بنمایندگان آلمان داده شده باشد ، تا در نتیجه بتوانند درخواستهای خود را با وقوف و بصیرت کاملی تنظیم نمایند ؛

۲ - کلیه پرسشها و درخواستها ، که ممکن است برای نمایندگان آلمان ضرورتی بهم رساند ، بایستی کتباً بعمل آید .

طرفین موافقت حاصل کردند که بهمین قسم رفتار نمایند ؛ و نیز قرار بر این شد که یادداشت محرمانه ای بژنرال « ویگان » تسلیم گردد ، و بدین طریق کلیه مسائلی که پیشنهاد آنها بمارشال « فوش » مناسب باشد قبلاً بررسی شوند (تا در نتیجه از بررسی نخستین این مسائل در جلسه عمومی نمایندگان احتراز شده باشد) .

۹ نوامبر - هیئت نمایندگی آلمان ، در ۹ نوامبر ، ساعت ۱۵ و ۴۵ ، متن ملاحظات خود را در باب شرایط متارکه جنگ با آلمان بزئرال «ویگان» تسلیم نمود. «کنت ابرندرف» و زئرال «فن وینترفلدت» ، که حامل متن مزبور بودند ، همان مطالبی را که روز پیش بیان کرده بودند دیگر بار بمیان آوردند ، ولی بدون اینکه مطلب تازه ای که قابل تذکر باشد بیافزایند .

۱۰ نوامبر - متن پاسخ ملاحظات مربوط بشرایط متارکه جنگ با آلمان در تاریخ ۱۰ نوامبر ، ساعت ۲۱ و ۳۰ بنمایندگان آلمان تسلیم گردید . در همان روز ، در ساعت ۱۸ و ۳۰ ، مارشال «فش» یادداشت ذیل را جهت نمایندگان مختار آلمان ارسال نمود :

فرماندهی کل

ارتشهای متفقین

قرارگاه کل متفقین ، ۱۰ نوامبر ۱۹۱۸

سناد کل ارتشها

« بموجب مندرجات متن اعتبارنامه ای که بمارشال «فش» تسلیم گردیده است ، اختیارات آقایان نمایندگان مختار دولت آلمان ، از لحاظ انعقاد معاهداتی ، محدود هستند باینکه معاهدات منعقد آنها از تصویب صدراعظم بگذرند . »
از آنجائیکه موعدی که برای انعقاد عهد نامه متارکه جنگ مقرر شده بود فردا ساعت ۱۱ منقضی میگردد ، با کمال افتخار سؤال میشود آیا آقایان نمایندگان مختار دولت آلمان قبولی صدر اعظم آلمان را در مورد شرایط اعلامی دریافت داشته اند یا خیر ، و در صورت نفی ، آیا مقتضی میدانند که بدون فوت وقت پاسخ صدر اعظم را تحصیل نمایند . »

حسب الامر فرمانده کل ارتشهای متفقین

امضاء : سر لشکر «ویگان»

ماژر زئرال ارتشهای متفقین

نمایندگان آلمان ، در ساعت ۲۱ و ۳۰ ، بوسیله یادداشت ذیل پاسخ دادند :

« نمایندگان مختار آلمان مقتخر هستند که در پی پرسش ۱۰ نوامبر فرماندهی کل ارتشهای متفقین پاسخ دهند که تصمیم صدر اعظم امپراطوری هنوز واصل نگردیده است »

« نمایندگان مختار آلمان قبلاً تدابیر لازمه‌ای اتخاذ کرده بودند که درمخابره دستورات صدر اعظم حتی الامکان تسریع شود . »

امضاء : ارزبرگر

وزیر

در خلال این احوال ، بین ساعات ۱۹ و ۲۰ ، دو پیام ذیل بوسیله تلگراف بی سیم واصل گردید :

۱ - « از طرف دولت آلمان ، بعنوان نمایندگان مختار اعزامی بقرارگاه کل فرماندهی کل ارتشهای متفقین :

« دولت آلمان شرایط متارکه جنگ را ، که در ۸ نوامبر ، بوی اعلام شده بود می پذیرد . »

« صدر اعظم امپراطوری ، ۳۰۸۴ . »

۲ - « از طرف فرماندهی کل نیروی آلمان ، بعنوان نمایندگان مختار اعزامی بقرارگاه کل فرماندهی کل ارتشهای متفقین :

« دولت امپراطوری مراتب ذیل را فرماندهی کل اعلام داشته است برای اینکه به « ارزبرگر » مخابره شود :

« جنابعالی مجاز هستید معاهده متارکه جنگ را امضاء کنید . ضمناً دستور خواهید داد که بیانات ذیل در صورت مجلس قید شود :

« دولت آلمان با تمام قوای خویش سعی خواهد بود که شرایط مقرر را مجرا دارد . ولی با اینوصف ، امضاء کنندگان خود را موظف میداند این نکته را تذکر دهند که اجرای بعضی از نکات شرایط مزبور اهالی آن قسمت از خاک امپراطوری آلمان را ، که نباید اشغال گردد ، رو بقحطی - وق خواهد داد .

« تسلیم کلیه ذخائریکه بتغذیه عده ها تخصیص داشته و در مناطق اشغال شده ایکه بایستی تخلیه شوند موجود میباشند ، و نیز محدود کردن وسائل بارکشی که لازمه

تدارکات میباشند ، با ابقای محاصره ، نه فقط تأمین ارزاق را ممتنع خواهد ساخت ، بلکه تقسیم اغذیه را نیز بکلی غیر ممکن خواهد کرد .

« بنا بر این ، امضاء کنندگان خواستکار میباشند مجاز گردند که در تغییر بعضی از نکات ، داخل مذاکرات شوند ، بقسمیکه تأمین خوراک میسر گردد . »
« صدر اعظم امپراطوری »

« بصره - بعلاوه ، فرماندهی کل توجه نمایندگان مختار را بنکائیکه امروز ظهر بژنرال « فن وینتر فلدت » مخایره شده اند جلب مینماید . امضای معاهده متارکه جنگ را با تلگراف بی سیم اطلاع دهید . »

مقارن ساعت ۲۱ نیز ، گرفتن تلگراف مرموز خیلی مفصلی از جانب فلدمارشال « فن هیندنبورگ » آغاز گردید .

ژنرال « ویگان » ، در موقع تسلیم تلگراف مزبور ، از « ارزبرگر » پرسید آیا تلگراف واسله را معتبر می پندارد یا خیر . « ارزبرگر » جواب مثبتی داد و گفت که شماره ۳۰۸۴ ، که بی امضای تلگراف نخستین مخایره شده است ، علامت معهودی است که اصالت قبولی صدر اعظم آلمان را محرز میدارد .

آنگاه ، از نمایندگان مختار دولت آلمان سؤال شد در چه ساعتی میتوانند در جلسه عمومی حضور یابند ، برای اینکه متن قطعی شرائط متارکه جنگ را پذیرفته و امضاء نمایند . نمایندگان مختار دولت آلمان خواهش کردند فرستی بآنان داده شود ، برای اینکه تلگراف مرموز « هیندنبورگ » را کشف کرده و پاسخهای فرماندهی کل ارتشهای متفقین را ، که در جواب ملاحظات آنها داده شده است ، بررسی نمایند . بنا بر این از آنها خواهش شد که بمحض امکان اطلاع دهند در چه ساعتی انعقاد جلسه مزبور مقدور میباشد ، تا در چنین موقعیکه امضای معاهده متارکه جنگ مقرر گردیده است هر چه زودتر بخونریزی خانمه بدهند .

۱۱ نوامبر - در ۱۱ نوامبر ، ساعت ۲ و ۵ ، نمایندگان آلمان اطلاع دادند که برای تشکیل جلسه حاضر هستند . لهذا ، جلسه مزبور در ساعت ۲ و ۵ افتتاح یافت .

مارشال « فوش » گفت که متن قطعی معاهده متارکه جنگ خوانده میشود ،
ضمناً بزیرال «ویگان» امر داد بخواندن متن پردازد ، و بجای مواد اصلاحی متنی
که در ۸ نوامبر تسلیم گردیده بود ، متن جدید را که در جواب ملاحظات تعیین
گردیده است ، قرائت نماید .

از اینرو ، متن معاهده خوانده شد و بررسی آن ماده بماده بعمل آمد .
باین مضمون :

مابین مارشال « فوش » ، فرمانده کل ارتشهای متفقین ، که بنام دول معظمه
متفق اقدام میکند ، بمعاونت دریا سالار «ومیس» ، «لرد درجه اول نیروی دریائی»
(First Sea Lord) ، از یکطرف :

و آقای «ارزبرگر» ، وزیر ، رئیس هیئت نمایندگی اعزامی دولت آلمان ؛
آقای «گنت فن ایرندرف» ، نماینده فوق العاده و وزیر مختار ؛
آقای ژنرال مائر «فن وینترفلدت» ؛

آقای «فانسلو» ناخدا یکم ، که جلگی اعتبارنامه های مرتب و منظمی در
دست داشته و باموافقت و تصویب سدر اعظم آلمان اقدام مینمایند ، از طرف دیگر ،
معاهده متارکه جنگی ، با شرایط مصرحه ذیل ، منعقد میگردد :

شرایط معاهده متارکه جنگ منعقد با آلمان

الف - در جبهه غرب

(۱) - قطع مخصصات زمینی و هوائی ، شش ساعت پس از امضای معاهده
متارکه جنگ .

(۲) - تخلیه فوری مناطق منصرفی : بلژیک ، فرانسه ، لوکزامبورگ ، و همچنین
«آلزاس - لرن» ، بقسمیکه عمل تخلیه تا پایان پانزده روزی که از تاریخ امضای
معاهده متارکه جنگ سپری میشود بانجام رسیده باشد .

عده های آلمانی که مناطق مشخصه را در انقضای موعده مقرر تخلیه نموده
باشند مامد اسرای جنگی دستگیر خواهند شد .